

تلگرافات

شماره ۲	ص ۱۶	تلگرافات مهمه سال ۵
شماره ۴	ص ۱۶	تلگرافات مهمه سال ۵
شماره ۵۹	ص ۱۱ و ۱۲	تلگرافات مهمه سال ۵
شماره ۶۲	ص ۱۶	تلگرافات مهمه سال ۵
شماره ۶۳	ص ۴ و ۵	تلگرافات مهمه سال ۵
شماره ۳	ص ۳ و ۴	تلگرافات مهمه سال ۶
شماره ۷	ص ۶ و ۷	تلگرافات مهمه سال ۶
شماره ۸	ص ۱۳ و ۱۴	تلگرافات مهمه سال ۶
شماره ۱۰	ص ۱۳	تلگرافات مهمه سال ۷
شماره ۱۴	ص ۱۶	تلگرافات مهمه سال ۷
شماره ۲۰	ص ۵ و ۶	تلگرافات مهمه سال ۷
شماره ۶۲	ص ۲ تا ۷	سال ۵



سال ۵

شماره ۶۳

ص ۴ و ۵ خطاب

علما به محمدعلی شاه

سال ۶

شماره ۷

ص ۵ تلگراف

۲۷ نفر از علما

تلگرافات مهمه

اسلامبول مخبر روتر خبر می دهد که سفیر کبیر دولت ایران به بایعالی از تعدیات بی شرمانه اکراد که در حدود ایران نزدیکی ارومیه و سایر جهات هستند شکایت کرده و دولت عثمانی تلگرافاً رفع فساد آن ها را به سر کردگان سرحدی امر داده است.

طهران. مخبر روتر خبر می دهد اعلیحضرت شاه به شنیدن اعتراضات دولتخواهانه اعیان مملکت شش نفر اغواکننده گان شاه را مردود نموده که من جمله یکی امیر بهادر جنگ است. و امیر بهادر به قونسلخانه روس پناه برده. معلوم است خیانت های ملک و ملت متضررانه امیر بهادر دروغی به مدلول کلّ خائنّ خائفّ مثل سعدالدوله او را به قونسولخانه اجانب می کشاند اگرچه این هم حيله شاه است
طهران. مخبر روتر می گوید که مشیر الدوله به منصب رئیس الوزرائی و علاءالسلطنه به منصب وزارت خارجه منصوب شده اند.
عبدالمحمد

خلاصه تلگرافات مهمه

(از ۲۵ جمادی الاول سنه ۱۳۲۶)

طهران. مخبر روتر می گوید سوار قزاق امروز صبح مجلس را احاطه کرد و چند نفر از وکلا را به حکم شاه می خواست، مجلس خواهش آن ها را رد کرد که نمی دهم، فتنه طرفین بالا گرفت و بعضی از قزاقها زخمی شدند. پس از این مجادله که به مقاتله کشید، توپ و قوت برای قزاق رسید

لندن بدیلی میل از طهران خیر رسید که از مجلس و مسجد سپهسالار نارنجک برای قزاق ها انداختند و بعضی از توپ ها و قزاق و سرباز را مجروح کردند «کولونیل لیاکوف روسی» سرکرده قزاق ها حکم نموده توپ به مسجد و مجلس بستند و تا سه از ظهر گذشته مجلس و تکه ای از مسجد خراب گردید و همگی بزرگان دستگیر و اسیر شدند،





• آیات ثلاثه نجف از روشنگران عصر مشروطه و از راست: ملا عبدالله مازندرانی، میرزا حسین آقا نجل خلیل و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی



حتی مجتهد بزرگ، و از قزاق‌ها و متفرقه زیاد گشته شد. بعد از آن اغلب جاها به غارت رفت.

طهران روتر می‌گوید شاه غالب شد و لیاکوف روسی را سر کرده کل نمود و اعلان عرفی که کشتن مردم باشد داد. چنانچه مجلس را از ریشه خراب کردند و مسجد و اماکن و خانه‌های بزرگان را به توپ بستند و اغلب بزرگان سیاسی و حزب وطنی را دستگیر نمودند. در این معرکه پانزده قزاق و سه نفر سرهنگ و بیست سرباز و هفتاد متفرقه کشته شده و چون دعوی مجلس تمام شد لشکر دست به غارت گذاردند و شاه به سفیر روس و انگلیز وعده مخاظت و امنیت آن‌ها را داده و رئیس وطنی با ده نفر ارباب جراید به قونسلگری انگلیس پناه برده‌اند.

طهران. خیلی اشخاص را باز دستگیر کرده‌اند. نویسنده روزنامه صوراسرافیل و چند نفر از ارباب جراید را به حکم شاه کشتند و عمه [کارگر] گرفته‌اند باقی مجلس را خراب می‌کنند.

تلگراف اول سفارت

وزارت خارجه. تمام تجار و کسبه به سفارت جمع به توسطه بنده این عرایض را در خاک پای مقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه عرض و جواب می‌خواهند. تبریز. مدتی است توی آتش خان‌های ماویران اموال ما غارت تجارت به کلی محو شد عرض ما پایمال، از پدر تا جدار مستدعی هستیم یک آن اول این آتش خانمانسوز را خاموش و قانون اساسی را که پدر تا جدار آن اعلیحضرت و شخص همایونی به ما ملت ایران عطا فرموده‌اند، به افتتاح فوری مجلس ملی برقرار و عموم ملت را آسوده و مطمئن بفرمائید. مستدعی است هر چه زودتر است جواب مرحمت شود (رضا).

تلگراف دوم سفارت

مستدعی است جواب تلگراف رمز آخرین را مرحمت فرمایند (رضا)

جواب تلگراف اول از وزارت خارجه ایران

تلگراف رمز جنابعالی به خاک پای اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه رسید.



دست خط مطاع همایون شرف صدور یافت، این طور که عیناً درج می‌شود: «در باب اغتشاش تبریز اقدامات لازم شده و یک درجه هم اطمینان حاصل است که انشاءالله تعالی عاجلاً کار شهر اصلاح شود و این انقلابات که در محلات اتفاق افتاده رفع خواهد شد. در باب انعقاد مجلس هم به طوری که اعلان شده است انشاءالله تعالی در سر موعد مجلس شورا و صحیح مفتوح و به انتخاب صحیحی که اسباب شوکت و ترقی مملکت باشد اقدام و اعلام می‌شود»

این است عین دست خط مطاع مبارک. واضح است بر حسب مقررات علیه همایون تجار را امیدوار و مطمئن خواهید فرمود (علاءالسلطنه).

تلگراف سیم سفارت

وزارت خارجه: دست خط همایونی را به تمام تجار و کسبه و رؤسای ملت تبلیغ نمودم، متفق القول عرض‌شان این است که با این وعده‌ها چاره به درد ملت نمی‌شود، مستدعی به علاج فوری هستند که رحیم خان را با سوارهایش که در اهالی تبریز دیگر آبادی نگذاشته، از تبریز و اطراف آن تبعید و امر فوری به اعلان آزادی مطبوعات و مباشرت در انتخاب وکلای ملت شود، زیرا که اگر از حالا به انتخاب اقدام نشود ممکن نیست بعد از دو ماه پارلمنت باز بشود. در عالم چاکری عرض می‌کنیم در حالتی که این‌گونه تبدل در این پایتخت حاصل شده به جهت ملاحظات عدیده قبول این تکالیف به جهت اسکات ملت خیلی لازم است (رضا).

جواب تلگراف سیم از وزیر خارجه ایران

تلگراف رمز جنابعالی مورخه پنجم شهر رجب به خاک پای اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه رسید. در جواب این طور امر و مقرر فرمودند: «در تبریز محلات اجتماع کرده یکدیگر را غارت می‌کنند و دولت ممانعت کرده در برقراری نظم و اعاده امنیت اقدامات سریع کرده. مجدالدوله سپهدار از طهران و عین‌الدوله از طرف آستارا به چاپاری روانه شده‌اند که هر چه زودتر اسباب اصلاح و اسکات را فراهم بیاورند. در باب پارلمنت هم دولت مشغول است در سر موعد افتتاح خواهد شد»



جنابعالی خوب است فرمایشات ملوکانه را کما ینبغی به تبعه و تجار محترم بفهمانید که به اندک صبر و شکیبایی جمیع کارها از روی عدل و انصاف انجام خواهد شد. کمال اطمینان را بدهید (علاء السلطنه).

تلگراف چهارم سفارت

وزارت خارجه. در حالتی که اذهان عمومی در هیجان عظیم بود، دست خط اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه را در باب تدابیر متخذه در آرامی تبریز و افتتاح پارلمان به همه ارائه کرده و از طرف دولت اطمینان کامل داده، طوری ساکت نمودم. مستدعی است هر چه زودتر آرامی تبریز و انتخاب اعضاء پارلمنت را برای آسوده گی و دعا گوئی عمومی تلگراف بفرمائید (رضا).

تلگراف پسر پدر ترکیده

طهران. به توسط سپهسالار اعظم به خاکبای بنده گان اعلیحضرت اقدس ارواح العالمین فداه. شجاع نظام، حسب الامر مبارک از تبریز آمده، جمع آوری نوکر دیوان از سواره و پیاده تشکیل می نمود تا بعد از رسیدن اردو از ماکو به مرکز مقرر حرکت کند. شب دوم شوال چاپار دولتی وارد، بسته امانتی رئیس پست آورد، همین که باز کردند مثل توپ صدا کرد «شجاع ناظم و شجاع لشکر و میرزا علی خان هیه جوانه» تصدق ذات ملکوتی صفا شهریاری شده و یدالله خان رئیس پست با ده نفر از عمال پست نیز مجروحند تا از این دودمان نفری بماند با کمال اطمینان و مباحات جان را در خاک پای مبارک نثار خواهد نمود. تاکنون مخارج و تدارک سواره و پیاده از نوکر دیوانی و غیره را آن مرحوم از مالیات دیوانی موضوعه و غیر موضوعه متکفل بوده، اکنون به هر چه که رأی جهان آرای روح العالمین فداه، علاقه گیرد و مقرر شود مزید امیدواری و مفاخرت خانه زاده است (خانه زاد موسی الرضا).

این کیفیت قتل شجاع نظام و اتباع و ولد او لعنت الله علیهم اجمعین که نقل نمودیم، ولی تاکنون مشروحاً سبب قتل اقبال السلطنه ما کوئی نرسیده، پس از رسید به شرحش خواهیم پرداخت.



دیگر آلات ناریه و ادوات حربیه مفصلاً برای اهالی تبریز از خارجه رسیده و می‌رسید، چنانچه این روزها دو عراده توپ سریع الاطلاق و تقریباً بیست هزار تفنگ و چهار کروور فشنگ و بسیاری از اجزا نارنجک و غیره رسیده حکومت دارالسلطنه تبریز به جناب اجلال الملک مقرر شده و جناب رشید الملک به ریاست نظام معین گردیده.

خطاب حجت عتاب حجج اسلام نجف اشرف به محمد علی شاه

دشمن دین اسلام! ما هرگز نمی‌توانیم شما را به کلمه شاه خطاب نمایم. پدر مرحوم تاجدار شما خواست ظلم و استبداد را از سر اهالی فلک‌زده ایران دفع نماید، مجلس شورای ملی را قرار داد، بلکه بدین وسیله ظلم‌های فاحش که سال‌های سال ملت ایران مبتلای آن بودند مرتفع گردد. اساس مجلس و مشروطیت را که عدالت محض و با مذهب اثنا عشریه ابداً مخالفتی نداشت مستحکم ساخت.

ما را هم امید این بود که شما هم بعد از جلوس سلطنت ابدی در حفظ و حمایت همین کل لطیف قیام و اقدام نموده و ملت فلک زده را باعث رفاه و ترقی خواهی بود. محض اجرای این امر مقدس شما را شاه وارث می‌شمردیم.

گویا قسم‌هائی را که در روز اول یاد کرده و قول داده‌ای که با مشروطیت همراهی کنی فراموش نموده و به خلاف قول و سوگند رفتار کردی. ما می‌دانیم که خیلی سهو رفته‌ایم و شما هم خیلی سعی نمودید که ماها را سلاح و اسباب اجراء مقاصد در پیش مجلس نمائید و امتحان با رشوه‌ها کردید، بلکه خلاف قانون اساسی از ماها اقدامات شود.

چنان که شنیدیم یکی از کسان محرم خود را با رشوه و رسومات فراوان فرستادید که ما را به زر و رشوه فریب دهد.

قافل از این که ماها استراحت ملت را مقدم می‌داریم بر طلاهای کثیف شما. اکنون بنابر تأکیدات دول اجنبیه، دست خطی به جهت افتتاح مجلس داده‌اید و علمائی که مذهب و دین خود را به پول فروخته امضائی داده‌اند، دانسته باشید همان علما نمایان وکیل شیطانند و دشمن مذهب اثنا عشریه. و این که از دین و مذهب سخن می‌گوئی لفظ پست خالی از معنی [است]، حال آن‌که بجزون الله تعالی برای نگاهداری ملت اثنا عشریه علماء حقه موجودند.



مذهب و اعتقاد به شریعت که شما نشان می‌دهید همان پیشرفت اقدامات ظالمانه خود و تشویب اذهان عوام است و شما هرگز در فکر انعقاد مجلس نیستید، محض این که در استبداد قدیم خود بمانی می‌خواهی ملت را سرپیچی دهی. مادامی که اعلان افتتاح مجلس را نداده‌ای شما را بیگانه از مذهب خواهیم شناخت.

و نیز به خوبی می‌دانیم که مقصود شما چیست. مقصود شما این است که به واسطه افعال قبیحه مملکت را به خارجه بفروشی و آشکارا به شریعت و مملکت اسلام نمک به حرامی کنی.

اسم شریعت و کلمات مقدسه در دهن شما بیشتر از کلمه عصیانی نیست، چنانچه نماز شب در پیش دزد فائده ندارد.

علی‌ای حال، مجلس‌دار الشوری منافی با شریعت نیست و از جمع مجاهدین که برای حفظ مشروطه تلاش می‌کنند اگر تعویق باشد ناچاریم عموماً به ایران آمده حکم جهاد کنیم و به ایمان مغلظه، گفته خود را مؤکد سازیم.

عبدالله مازندرانی محمد کاظم خراسانی

تلگراف حجت اتصاف حجج اسلام نجف

در استقلال پارلمانت و منع قرض

توسط انجمن سعادت ایرانیان. به انجمن ایالتی تبریز شیدالله ارکانه. به حمدالله تعالی همت غیورانه جناب اجل اکرم سپهسالار ملت و مجاهدین غیور دام تأییداتهم، هم اسلام را عزیز و ملت را سربلند و نیک نامی ابدی احیاء ایران و استحصال حقوق ملت بعونه تعالی خاصه آن برادران، انشاءالله تعالی امنیت عمومیه آن سواد اعظم شیدالله در ممالک خارجه مایه افتخار ایرانیان خواهد بود و آن انجمن گرامی امروز به جای دارالشورای کبری در ممانعت قرض جدید و سائر مملکت فروش‌ها رسماً کمال مراقبت و چگونگی را اعلام فرمایند.

عبدالله مازندرانی محمد کاظم الخراسانی

ایضاً تلگراف حجج اسلام نجف

در صحت قانون اساسی و استحکام انجمن تبریز



انجمن سعادت ایرانیان. موجب شکایات واصله از ملت ایران مجدداً دولتیان خواسته‌اند وجه خطیر از دولت متجاوز قرض و صرف سرکوبی ملت نمایند. لهذا از جانب ماها که رؤساء روحانی ملت ایرانیم به توسط سفرا و جرائد رسمی به دول معظمه رسماً اعلان نمایند به موجب اصل ۲۴ و ۲۵ نظامنامه اساسی دولت ایران حق معاهده و اعطاء امتیاز و استقراض بدون امضاء پارلمنت ملت ندارد. امروزه انجمن ایالتی تبریز به جای پارلمنت ملت ایران است، اگر قرض بدون امضاء آن انجمن بشود ملت ذمه‌دار ایفای نخواهد بود.

عبدالله مازندرانی محمد کاظم الخراسانی

ایضاً فرامین حجت مضامین حجج نجف اشرف

در حرام بودن مالیات به شاه

به عموم ملت حکم خدا را اعلام می‌داریم. الیوم همت در دفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرّمات و بذل جهد در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه، و موئی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت [صلوات الله] و سلامه علیه است. اعاذ الله المسلمین من ذاک انشاءالله تعالی.

عبدالله مازندرانی / محمد کاظم الخراسانی / الاحقر نجل مرحوم حاج میرزا خلیل

تلگراف رکن الدوله حاکم مشهد به طهران

حضور ... صدارت عظمی جمیع علماء و سادات و طلاب مدارس و خدام حرم و کسبه و تجار در حرم مطهر و مسجد گوهرشاد اجتماع نموده، احکام علماء نجف را در دست، متفقاً می‌گویند که بنای مذهب اسلام بر مشروطیت است. باید دولت ایران مشروطه باشد. جسته جسته مذاکرات فوت حاج میرزا حسین را می‌نمایند که رأیت اجتماع طویل بکند. مسئله قتل حاج میرزا حسین را دست آویز کنند. تکلیف چیست؟ (رکن الدوله).



جواب مشیر السلطنه صدر اعظم از طهران به مشهد

حضرت ... رکن الدوله. برحسب امر مبارک همایونی ارواحنا فدا، فوراً توپ و سوار و سرباز در اطراف حرم و مسجد حاضر نمائید و به قوه جبریه حضرات اشرار را متفرق کنید (صدر اعظم).

جواب امیر بها در جنگ سپهسالار از طهران به مشهد

حضرت ... رکن الدوله! سرچشمه شاید گرفتن به بیل، چه پر شد نشاید گذشتن به بیل. حسب الامر مبارک فوراً مسجد گوهرشاد و حرم را به توپ بندید و باقوه حربیه حضرات را متفرق سازید. چند نفر از مفسدین اشرار را دم توپ و طناب بیندازید تا عبرت سایرین شوند. نگران راپورت تلگرافی هستم که به خاک پای مبارک عرض کنم (سپهسالار).

ایضاً تلگراف رکن الدوله

از مشهد به طهران

حضرت ... صدارت عظمی. حسب الامر مبارک دیشب توپ و سوار و سرباز در اطراف حرم و مسجد حاضر نمودم. امروز صبح مسجد و حرم را به توپ بستم. در گنبد طلا و مسجد و بعضی عمارات رواق و حرم شکست وارد شد، مردم متفرق شدند، فقط علما و سادات و طلاب و اهل حرم در حرم و مسجد مانده‌اند، ولی از قرار راپورت کدخداهای شهر این توپ خیلی باعث هیجان اهل شهر شده است که دور نیست فردا اغتشاشی فوق العاده دست دهد با این قوه نظامی که در مشهد داریم از عهده بر نمی‌آیم، تکلیف؟ (رکن الدوله).

تلگراف مشیر السلطنه صدر اعظم

خدمت ... رکن الدوله ... آفرین بر عقل و کفایت شما! همچو تصور می‌نمائید که دیگر نباید در دنیا زندگانی نمائید. هر چه تلگراف کردم که شما زودتر حرکت نمائید و خودتان را ضایع نکنید، گوش ندادید. به همان علی ابن موسی الرضا در این فقره خیلی خبط



کرده‌اید. هر کس این را اهنمائی را به شما کرده است خیانت محض است. شنیدم دیشب به خانه عبدالله خان رئیس قزاق «بومب» انداخته‌اند. خیلی محل تعجب است، اگرچه باور ندارم. خودتان می‌دانید به خان همشیره زاده حضرت ... نیرالدوله ... است البته پر واضح است که در این غرض محض است. ۱۵ صفر الاعظم.

ایضاً تلگراف مشیرالسلطنه به مشهد

جناب متتصرالملك نایب الایاله... روزنامه از پست‌خانه [؟] رسیده که دیشب به خانه ... عبدالله خان رئیس قزاق خانه مبارکه آنجا «بومب» انداخته‌اند و بعضی هرزه‌کاری دیگر شده. پس شما آن‌جا چه می‌کنید، این همه استعداد و پولیس چه می‌کنند؟ الان بفرستید جناب ... متولی به نایب التولیه و و متولی مسجد گوهرشاد و بعض اشخاص دیگر را که می‌دانید حاضر کنید. با بودن شماها که همه دولت خواه و شاه پرست هستید به علت محض آسوده‌گی خودتان. قبله عالم ... حضرت ...الدوله [؟] را به ایالت برقرار فرمودند، با چاپار حرکت نمودند، تا ورود حضرت معظم، کارها را منظم نمایند و هر چه در حفظ امنیت و آسوده‌گی آن‌جا [لازم است] فوراً بگوئید برسد و اقدام بشود، و آنچه لازم باشد از جناب ... سلام ... آن حدود در آسوده‌گی مردم بخواهید که حضرت ... والا وارد می‌شود انشاءالله. قرار آسوده‌گی عامه‌را خواهند داد ۱۵ صفر (صدراعظم).

تلگراف انجمن ایالتی خراسان

عموم ولایات خراسان. مدتی بود انجمن ایالتی خراسان تعطیل بود، الیوم بحمدالله به تصویب حجج اسلام راعیان مملکت، انجمن ایالتی کمافی السابق منعقد کمال اهتمام به خدمتگذاری ملت جان‌فشانند. البته تمام و عموم اهالی به وظایف مشروطیت و حفظ نام و توقیف مالیات رفتار خواهند فرمود (انجمن خراسان).

تلگراف سالارخان بلوچ از تربت به مشهد

قوای ایالتی برحسب امر حجج اسلام آقایان نجف شهر تربت را تصرف کرده، انشاءالله از توجه حضرت حجه عجل الله فرجه تربت را امن کرده، انجمن ولایتی را دایر نموده،



متوجه مشهد خواهد شد. اگر خدای نکرده ایالت را راه نداده از امر مقدس مشروطه سرپیچی نمایند یکی یکی را به قوه ناریه دفع کرده خراسان را از نحوست خلاص خواهیم کرد. (خادم مشروطه اسلام فدوی ملت سالار).

تلگراف ۴۸ نفر بزرگان مشهد به سمنان

خدمت حضرت مستطاب اشرف ارفع والانیردوله دامت شوکتہ. البتہ بہ سمع عالی رسیده کہ محض ترویج احکام مطاعه مبادی عالیہ، اهالی خراسان از کلیہ طبقات اتفاق نموده تشکیل انجمن و اقامہ مراسم مشروطیت کردہ، تمامی خلق بر این مطلب متفق الکلمہ اند. بہ توجہات حضرت سلطان الاولیا ارواحنا فداء و اقدامات صحیحہ اهالی اصلاً فتنہ و فساد روی ندادہ، بہ این وضع حالیہ اگر گماشتگان حضرت اشرف والا موافقت با مراسم مشروطیت و احکام انجمن می فرمایند و اصلاً مخالفتی بہ ظہور نمی رسد نعم الوفاق و حَسَنَ المَطْلُوب، مردم خراسان ہم ہمین قسم حاکم مشروطہ خواهی از خدا خواهانند، و اگر خدا نکرده اقدام بہ موافقت نشود، بہ ملاحظاتی چند رجعت و انصراف حضرت اشرف والا اولی و انسب است. تشریف فرمائی حضرت والا سوای دردسرو فساد حاصلی نخواهد داشت. زیادہ رأی حضرت والا است (امضا ۴۸ نفر).

تلگراف حجج نجف اشرف بہ بوشهر

بصرہ، توسط دہہ . . . [؟] بوشہر ملاذ الاسلام آقا سید مرتضی اہرمی و سایر آقایان علما و ملت فارس دام تأییداتم. مساعی جمیلہ در قلع مواد ظلم و استبداد مشکور و مزیت انفخم در حفظ امنیت عمومیہ و عدم تعرض با حدی از اتباع خارجه و داخلہ من الاسلام مثل یہود و غیر ہم بر عموم ملت واجب و از جناب حجۃ الاسلام آقا سید عبدالحسین دام تأییدہ بعد از ابلاغ سلام مراقبت کاملہ در ہر بار مترقب، انشاء اللہ تعالی عبد اللہ مازندرانی محمد کاظم الخراسانی.

تلگراف مؤید الاسلام از کلکتہ

بہ توسط سروش الملک انجمن ولایتی بوشہر. استقلال مشروطیت واجب، خود



غرضی والله باعث قتل صدهزار نفوس است. از افتضاح خودتان و ننگ تاریخی نیز بهره‌یزید. ناموستان را حفظ کنید. فوری. حبل‌المتین.

تلگراف از بمبئی به بوشهر

توسط رئیس التجار کازرونی بهبانی گلشن، بوشهر عموم علما و تجار لازم است فوراً با خوانین اطراف اتفاق نموده، حکومت مقتدری که قطع عذر و موجب تخلیه خارجه گردد. بر ناموس خود و وطن ترحم، سرمشق به همسایه شمالی ندهید. غیرت و همت‌تان کجا است؟ خودتان را لکه عیب صفحات تاریخی اسلام و ایران قرار ندهید امین التجار، دهدشتی، وطن‌خواهان.

تلگراف از طهران به بوشهر

به توسط تلگرافخانه انگلیس. خدمت جناب مستطاب آقای آقا سید مرتضی اهرمی دام توفیقانه. از قراری که شنیده می‌شود در هیجانی که از طرف سواران تنگستانی در بوشهر شده است چپاول و صدمات زیاد به اهالی آن‌جا وارد، بوشهر خیلی بی‌نظم شده، این مسئله اسباب رنجش انگلیسان شده است. می‌دانید نظر عمده ملت‌یان و مشروطه خواهان حفظ امنیت و آسایش عموم است، خصوصاً تبعه خارجی متمنی است انجمن را به طوری مرتب دارید که کمال نظم و امنیت در شهر و اطراف حاصل شود، اسباب ترضیه خاطر اجانب شوید. چگونگی تلگرافیه.

داعی سید محمد امامزاده، الاحقر صدر الرعایا.

تلگراف حضرت سردار ارفع از محمره به بوشهر

خدمت جناب مستطاب ب الاسلام آقای سید مرتضی مجتهد اهرمی سلمه الله تعالی. از سلامت وجود مسعود استعلام و عین تلگراف انجمن تبریز را درج می‌نماید. از شدت و ضعف دولتیان، شاه، ثقة الاسلام را به مذاکره حضوری واسطه نموده، بی اطلاع حجج و مذاکره ایران قبول نخواهد شد. قوای ملتی در تزیاید است، انجمن ایالتی مترصد فرمایشات خزعلی.



تلگراف سپهدار اعظم به نجف از طهران به بغداد

تلگراف ذیل را بعد از کشف، خیلی محرمانه، سریعاً به نجف اشرف رسانده، جواب فوری تحصیل، به اسم کمپانی مخابره نمائید. حضور حضرت آیت الله خراسانی دامت برکاته. بنا به ضرورت عاجله سردار و سالار ملی به طهران احضار و سه روز است حرکت کرده‌اند. بعد از حرکت آن‌ها معلوم شد در طهران اشخاص مغرض معاند و دیگر مصمم شده‌اند آن دو محترم را آلت اجرای مقاصد فاسده نموده در تخریب خود آن‌ها و اختلاف مملکت نقشه‌ها دارند، لهذا وزرای عظام و وکلای آذربایجان تصویب می‌کنند که از آن ساحت مقدس معزالیهما را به عتبات عالیات دعوت فرمایند که از زنجان عازم و بعد از دو سه ماه اقامت در آن‌جا به طهران مراجعت نمایند، تا در این مدت به تدابیر لازمه مشکلات داخلی از عمل مجاهد و غیره تصفیه و مواضع نگرانی رفع شده باشد (سپهدار).

تلگراف ستارخان و باقرخان از قزوین به نجف

حضور حضرات آیات الله نجف. خیلی مشتاق بودیم که به خدمت مشرف شویم، لکن استقبال بعضی از وکلا تا قزوین مانع از تشریف شد.

در چند روز قبل خطی از زبان زردشتی‌های مقیم لندن و کمبریج، جناب حاجی شیخ محمد حسن معلم تبریزی به حضور حضرات آیات الله نوشته بودند که خلاصه‌اش این بود قرض از خارجه مملکت را به باد می‌دهد، در داخله هم به غیر از زردشتی‌ها آدم متمول نداریم که از پنج کرور تا چهل کرور قرض بدهند، اگرچه مسلمان‌ها مال و جان آن‌ها را حلال می‌دانند. حضرات حجّین این حکم را دادند که عیناً ارسال می‌شود.

مصر و خبرهای اینجا

در این چند روزه تلگرافات ذیل از وزارت خارجه ایران به وکالت سیاسیة ایران

رسیده:

تلگراف وزارت خارجه



ایرانیان مصر وزارت خارجه زود مأمور کافی می فرستد. وزارت خارجه.

وزارت خارجه

ما نمی دانیم مأمور به جهت چه و برای که می آید؟ زیرا از دسایس یک نفر به نام ایرانی که حرکات زشتش از مصر یک جا به تمامی ادارات مهمه عکس تمامی انداخته ایرانی باقی نگذاشته، اغلب را به قرار مسموع این دون همت اغوا کرده که ترک تابعیت نمایند و می ترسیم مأمور زمانی برسد که به جز نگارنده کسی از ایرانیان مصر به تابعیت باقی نباشد.

ایضاً تلگراف وزیر خارجه

ایرانیان مصر. از اظهار رضامندی از جناب مستنصرالسلطنه خیلی خوشوقت گردیدم (معاون الدوله).

گویان این تلگراف برای اسلامبول بوده. زیرا از وزیر خارجه اسبق و مرحوم ثقه الملک در سابق مکرر تلگرافات تشکر و رضایتمندی می رسد و حالیه چندین ماه است که آقای مستنصر السلطنه مأمور اسلامبول شده اند. بلی (شاخ گل هر جا که مروید گل است).

در شش رجب ۱۳۲۸ یگانه علام قمقام و برنده حسام اسلام، قدوه احرار، سید ابرار نجل حجة الاسلام آقا میرزا محمدباقر شیرازی که تقریباً چهل روز در دولت سرای یگانه حضرت مستطاب آزاد مرد وطن پرست ملت خواه حاج میرزا عبدالجواد مشکی تاجر اصفهانی که شخصیش جامع صفات کمالیه و افتخار هیئت ایرانیه است، تشریف داشتند، و آنچه در خور مقامات آن وجود مبارک بود فراهم کرده بودند، حرکت به اسلامبول از طریق اسکندریه نمودند.

البته هم وطنان آن سامان مقدم ایشان را که در راه حفظ بیضه اسلام و حراست مشروطه مصائبی جانگداز و خساراتی خانه برانداز دیده اند، محترم و وجودشان را مغتنم و از خطابه های روح آورشان التذاذ کامل خواهند برد.

همچنین جناب آقا محمد صادق تاجر تبریزی که در درستی تجارت و اشتها و امانت کاری بیرون از وصفند، در هفته های قبل موقتاً پس از چندین سال برای دیدار وطن



از اسکندریه حرکت به تبریز کردند و جناب آمیرزا ضیال‌الدین را به نیابت در تجارتخانه خود گذاشته.

صورت محاسبات انجمن خیریه اسکندریه که ایشان سمت «صندوق‌داری» داشتند به اداره رسید، چون مراتب درستکاری ایشان مشهود است و در صفحات گذشته «چهره نما» مندرج شده بود، تجدید نشد.

روزنامه «ألپهلول» هم در دهه قبل توقیف و رفت پیش روزنامه «الشجاعه». البته خوانندگان عظام مطلعند که انگلیزها در مصر چه می‌کنند.

اداره و مطبعه چهره‌نما، در درب الحجر،

نمره ۱۵، عبدالمحمد.

حکم محکم تلگرافی حضرات آیات الله نجف

مجلس محترم شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه. در این مدت ده ماه که از افتتاح مجلس محترم گذشته پیوسته وصول بشارت خروج قشون روس و تخلص از تمام شعب مداخلات و تجاوزات ظالمانه را به حسن مراقبت مبعوثان عظام ملت ایده‌م الله تعالی مترصد و بعد از ترک رسم عید شرف به حصول و به واسطه تعاقب بحرانات وزرا و سایر سوابقی که اغلب به دسائس ظاهره و خفیه مستند بود، معوق ماند.

حالا با این که کابینه جدید انجام این اهم تکلیف را به موجب مکاتیب و اصله سریع‌ه تعهد نموده باز هم بدبختانه می‌بینیم به امروز و فردا می‌گذرد.

اساس قوم مشروطیت و استقلال وطن بلکه ارکان دیانت‌مان در تزلزل و روح ملیت‌مان در خطر و حقوق وطنیه و ملیه، بلکه بشریه‌مان، لگدکوب و تکلیف دینی اسلامی زیاده بر این انتظار نشستن و دست بر روی دست گذاردن را اقتضاد ندارد. اگر حقوق بین‌الملل مرعی و قوانین او منظور است سکوت تا کی، انتظار تا چند. و اگر مجرد الفاظی است بدون واقعیت و خالی از حقیقت البته عموم علما و قاطبه مسلمین هم از مقتضیات اسلامیت خود رفع ید نخواهند کرد. و عجالتاً مجاهده اقتصادی «ترک امتعه روسیه» با الکیه که اولین قدم دینداری و وطنخواهی است بعون الله تعالی و حسن تأییده، باید سریعاً اقدام شود. علی کل حال، نتیجه را عاجلاً مترصد و جواب تلگراف سابق در



خصوص جواب یادداشت سفیرین را هم منتظریم. انشاءالله تعالی چهارم صیام ۱۳۲۸
عبدالله المازندرانی، محمدکاظم الخراسانی.

[توضیح]:

پس از آن که تلگراف را فرستادند به قصر که به طهران مخابره شود، فوری از طرف
قونسولگری روس تلگراف تعرض رسید و همه تعجب نمودند که به این زودی به بغداد
خبر که داد! تلگراف قونسل این است:

اعتراض تلگرافی قونسل روس از بغداد به نجف

مستعجل، نجف، ابوالقاسم شیروانی. به هر چه زودتر سریعاً خدمت آیه الله الخراسانی
مشرف شو و عرض کن که شنیده‌ام تلگرافی فرموده‌اید در حق ترک امتعه روسیه. انظار دقیق
حضرت آقا از وخامت عواقب این تلگراف معطوف می‌دارم. در صورتی که این خبر صحیح
باشد التماس دارم فوری تلگراف استرداد او را مخابره بفرمائید. اولورف.

این تلگراف خیلی مضحک است که قونسل نموده و استرداد او را خواسته و گویا سیاستی
هم به خرج داده بود، چون جواب هر سؤال ولو قابل هیچ‌گونه نظری نباشد، لازم است،
خصوص از طرف حضرت آیه الله روحی فداه. این بود تلگراف ذیل نه جواب زده شد.

جواب تلگرافی حضرت آیت الله نجف به قونسل روس در بغداد

جناب آقا ابوالقاسم شیروانی. تلگراف جناب جلالت مآب قونسل ملاحظه شد. به ایشان
ابلاغ نمائید نظر به وعده‌ای که در خروج عساکر روسیا داده بودند و سایر دول متمدنه هم
در جواب پروتستوهای ما خبر دادند که بعد از حصول امنیت عساکر بیرون می‌رود، اینک
با این که بلاد ایران مامون، عساکر مقیم، عموم رعایا اخراج آنان را درخواست نموده.
چون در سکوت عاقبت وخیم می‌رفت، از وزراء خودمان به مضمون چندی خواستیم
باقضاء محاببات بین دولتین، خروج عساکر را در خواست نمایند.

از این تلگراف، مسکت قونسل روس در بغداد زیاده پریشان و به دست و پا افتاده،
مسلم است تقلائی مذبوحانه است و استرداد تلگراف بسته به خروج قشون روس است
از ایران، حالا وقت این است که مسلمانان و ایرانیان هر جا در نخریدن مال روسیا جداً





اقدام کنند. کابینه جدید انصافاً فعالیت خوبی به خرج داده، خلع اسلحه، اتحاد سرداران چهارگانه، انتظام پای تخت از شورشیان، کار سهلی نبود. و حال آن که کابینه قدیم با وجود داشتن دو سردار فاتح و عدم معارضه سرداران در ظرف نه ماه نتوانستند خلع اسلحه نمایند. بلی اگر بگذارند خوب کار می‌کند، مفسدین، زیرا فعلاً در این خیالند که این کابینه را از کار بیندازند، سردار اسعد را توهینش کنند چرا؟ به واسطه آن که مثلاً باقر خان ضایع شد، تو هم باید ضایع بشوی! اعتدالیون جماعتی را برای نجف فرستادن منتخب کرده‌اند که بر علیه کابینه جدید آماده اقدام کنند، من جمله «حاجی آقای شیرازی» وکیل شیراز که از مجلس اجازه خواسته به نجف بیاید، ولی وارد نشده. یکی سید فخر روضه خوان است که پارسال نجف بود و رفت به طهران. بعد از خلع اسلحه چاپاری حرکت به نجف کرده و نهم ماه به نجف رسید.

در طهران این اوقات علاوه از حزب اعتدالیون و انقلابیون و ... حزبی به اسم پارکی‌ها متشکل شده که دفاع از پارکی‌ها که برخلاف حکم مجلس رفتار کرده‌اند، می‌نمایند. از طرف انقلابیون هم آقا سید محمدرضا شیرازی مدیر جریده «مساوات» که وکیل است ۱۲ ماه به نجف آمده گویا مقصدش تأیید کابینه جدید و رفع اتهام تکفیر از سید حسن تقی‌زاده است، لیکن رفع اتهام تکفیر قبل از آمدن ایشان شد، چنان چه جماعتی از تجار و انجمن تبریز و خود تقی‌زاد، به جناب حجة الاسلام آقای آقا سید علی داماد در براءت تقی‌زاده کاغذی نوشته بودند آقای آقا سید علی در صدد برآمدند که در براءت تقی‌زاده حکمی به قلم جناب آیت الله خراسانی صادر کنند. شبی اغلب علما که از آن جمله جناب حاجی میرزا محمدرحیم ثقه‌السلام بادکوبه‌ای، و جناب آقای میرزا رضای ابروانی، و آقا شیخ عبدالحسین رشتی بودند به خدمت آقای داماد رسیدند و صورتی نوشته به نظر جناب آیت‌الله خراسانی رسانیدند و جواب گرفتند.

استعلام درباره آقای تقی‌زاده

حضور مقدس بندگان حضرت مستطاب آیه‌الله خراسانی ارواحنا فدا. به عرض می‌رساند که مشهور است که درباره جناب آقا سید حسن تقی‌زاده تبریز حکیم تکفیر شرف صدور یافته است، آیا صحیح است یا خیر؟ استدعای عاجزانه آن که حقیقت امر

را در صدر این عریضه مرقوم فرمایید. امرکم مطاع.

جواب آیه‌الله در خصوص تقی‌زاده

بسم الله، نسبت حکم به تکفیر مومی ائمه به احقر کذب است.

حرّره الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی.

خلاصی ایران به چیست و به دست کیست

آنچه به دیده انصاف و مردمی بنگریم و به گوش وجدان و آدمی اصغاء نمایم می‌بینیم که امروز روز استغاثه اشک ریزانه و انابه جگر گدازانه اهالی مظلوم ایران که از برای استرداد حقوق مقدسه مشروطه مغضوبه خود مسترحمند، بساط زمینیان را فرو گرفته و توجه عالمیان را به خود معطوف داشته. و آه شرر فشانه مرحمت خواهانه این مظلومین ملل عالم به خرمن حیات سه هزار کرور بنی‌بشر آتش رقیق افروخته و چشم منصفین کره ارض به نتایج این منظره مدهشه تاریخی دوخته، دیده‌ای نمانده که سطری از واقعات وحشیانه ایران و مقالات دادخواهانه ایرانیان را نخواند و گریان نشود، و دلی نیست که از این مصائب وارده متأثر و متالم نگردد. هیچ جراید معتبره عالم نمانده که چند عمودش از فضایح نابکارانه و فجایع غدارانه ننگ عالم انسانیت و لکه جهان آدمیت یعنی دولتیان پر نشود و از استرحامات فجیعه ایرانیان مظلوم شرحی ننگارد ...

اما به بینیم این همه ضجه و انابه و استغاثه و لابه ایرانیان مظلوم ذره‌ای در پیشگاه دول متمدنه مؤثر گردیده، نه و الله ...!

این همه حرکات نابکارانه و اقدامات بی‌شرمانه دولتیان از شرف آدمیت محروم خردلی تخفیف یا فتنه، نه، تالله ...، بل نه فریاد مظلومان را ثمری و نه آه داد خواهان را اثری، همه بی‌اثر، همه بی‌ثمر!!

پس امروز استخلاص ایران از چنگ قاتلان تمدن و عمران و سرکرده‌گان توحش و عدوان، به چیست، و مسترد دانستن حقوق معینه مغضوبه به دست کیست؟ اعانت و زور بازو. اعانت از کی، و زور بازو از کی. اعانت مالی از کلیه ایرانی داخله و خارجه تا زور بازوی سرصف مجاهدین غیور آذربایجان جناب ستارخان سردار قوت گیرد، تا هم‌چنان



که خطه غیرت‌زای آذربایجان را از خس خاشاک استبدادیان پاک کرد، حقوق مغضوبه مشروطیت را از زور بازو به اعانت مالی باز گیرد. اینک ما باز محض اتمام حجت کلیه ایرانیان فتاوی مقدسه و اوامر مطاعه حجج اسلام نجف اشرف را ذیلاً می‌نگاریم، تا عندالله و عندالرسول مسئول و مغضوب نگردیم:

تلگراف حجت ا تصاف حجج اسلام از نجف به طهران جناب مشیرالسلطنه این تلگراف را به شاه برسانید.

اگرچه داعیان را عمر به آخر رسیده و در این میانه جز حفظ بیضه اسلام و استقلال مملکت و بقای سلطنت شیعه و رفع ظلم و ترفیه حال عباد غرضی نداریم، ولی چون هر چه از اول امر تاکنون اقدام در اصلاح و اتحاد بین دولت و ملت کردیم و راه را از چاه نمودیم و دولت را به همراهی با ملت دعوت کردیم به هر لسان که ممکن بود، مضار و مفاسد این‌گونه اقدامات و خشیانه را ظاهر ساختیم تا بلکه رشته این اتحاد نگسلد و امنیت در مملکت قائم گردد، این مشت شیعه از چنگال ظلم جمعی از حکام ظالم خون‌خوار خودپسند نجات یابند، و در اصلاح مملکت یک دل و یک جهت بکوشند، تا این مقدار قلیل مملکت اسلامی برای مسلمین باقی ماند و مانند ممالک از دست رفته مسجدشان کلیسا نشود و احکام شریعت مطهره پایمال سلاطین کفر نگردد. برعکس، همه را دولت به وعده‌های عرقویی کس [؟] گذارانیده و در اظهار مساعدت و همراهی فروگذار نکرد و باطناً به خیال خود مشغول بود، با این که می‌دانستیم تمام مفاسد حادثه از تحریکات دولت و دولتیان خائن است باز محض حفظ مراتب اغماض نمودیم و از نصح و خیرخواهی خودداری نکردیم تا آنچه را که از او حذر داشتیم واقع شده و رشته اتحاد دولت و ملت یک‌باره گسیخت و خائنین دین و دولت، خبث باطن را ظاهر ساختند، باز برحسب وظیفه شرعیه در مقام اصلاح کوشیدیم تا بلکه این رشته گسیخته را دوباره متصل سازیم، ولی هنوز مرکب تلگرافات همراهی و مساعدت دولت نخشکیده، تلگرافی که تمام الفاظ بی‌معنی و سراپا مخالف با قواعد مسلمانی بوده رسید، حرکاتی را که تماماً جراحات قلب صاحب شرع مطهر و صدمه بر وجود مقدس حضرت حجة الله علیه الصلوة والسلام است با کمال بی‌شرمی جهاد فی سبیل الله شمرده، پیروی چنکیز را دین‌داری و



تخریب اساس اسلام را مسلمانی و تسلیط کفار روس را بر جان و مال مسلمین ترویج شریعت نام نهاده و به اغوای خائنین دین و عالم نمایان غدار، با این همه هتاک، با کمال جسارت افعال خود را مستحسن شمردند، تا ما را مجبور به آن چه از اظهار و اشاعه آن متحذر بودیم نمودند. قُلْ هَلْ ننبؤکم بالأخسرينَ أعمالاً الذین ضلّ سَعِيهمُ فی الحیاة الدنیا و هم یحسبون أنهم یحسنون صنعا.

آیا بر احدی از مسلمین مخفی است که از بدو سلطنت قاجاریه تاکنون چه صدمات فوق‌الطایفه بر مسلمانان وارد آمد و چه قدر از ممالک شیعه از حسن کفایت آنان به دست کفار افتاد. قفقاز و شیروانات و بلاد ترکمان و بحر خزر و هرات افغانستان و بلوچستان و بحرین و مسقط و غالب جزائر خلیج فارس و عراق عرب و ترکستان تمام از ایران مجزی شد، و تمام شیعیان این بلاد با کمال ذلت به دست کفار اسیر شده و از استفاده روحانی مذهب محروم ماندند. دو ثلث تمام از ایران رفت و این یک ثلث باقی مانده را هم به انحاء مختلف زمامش را به دست اجانب دادند، گاهی مبالغ هنگفت قرض کرده و در ممالک کفر خرج نمودند و مملکت شیعه را به رهن کفار دادند. گاهی به دادن امتیازات منحوسه ثروت شیعیان را به مشرکین سپردند و مسلمین را محتاج ساختند گاهی خزائن مدفون ایران را به ثمن بخش به دشمنان دین سپردند. یک صد کرور یا بیشتر خزینه سلطنت که از عهد صفویه و نادر شاه و زندیه ذخیره بیت‌المال مسلمین بود خرج فواحش فرنگستان شد و آن همه اموال مسلمین را که به یغما می‌بردند یک پوالش را خرج اصلاح مملکت و سد باب احتیاج رعیت نمودند گرگان آدمی خوار و عالم نمایان دین‌بربادده نیز وقت را غنیمت شمرده به جان و مال مسلمین افتادند و روز بروز زخمی تازه بر قلب منور حضرت بقیة‌الله عجل‌الله فرجه زدند، به حدی شیرازه ملک و ملت را گسیختند که اجانب علناً مملکت را مورد تقسیم خود قرار داده، حصص برای خود مفروز نمودند. در این حال شیعیان آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین از باطن حضرات ائمه هدی علیهم السلام استمداد نموده، یک باره حرکت کردند و برای حفظ این قطعه باقی مانده از مملکت اسلامی و نجات از سفاکی و استبداد قاجاریه با جان و مال حاضر شدند و به معاونت و امداد حضرت حجة‌الله عجل‌الله فرجه به مطلوب خود خواهند رسید و داعیان نیز برحسب وظیفه شرعی خود و آن مسئولیت که در پیشگاه



عدل الهی به گردن گرفته‌ایم تا آخرین نقطه امکان در حفظ مملکت اسلامی و رفع ظلم خائنین از خدا بی‌خبر و تأسیس اساس شریعت مطهره اعاده حقوق مغضوبه مسلمین خودداری نه نموده و در تحقیق آنچه ضروری مذهب است که حکومت مسلمین در عهد غیبت حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه با جمهور مسلمین است، حتی الامکان فروگذار نخواهیم کرد، و عموم مسلمین را به تکلیف خود آگاه ساخته و خواهیم ساخت و از حضرت حجة الله ارواح العالمین فداه در انجام این مقصد مقدس استمداد نموده به معاونت آن حضرت مستظهر و معتمدیم. فسیلعلم الذین ظلموا آی منقلب ینقلبون. عَلٰی لَعْنَةُ الله عَلٰی الْقَوْمِ الظّالِمین ...

الاحقر نجل المرحوم میرزا خلیل، الاحقر محمدکاظم الخراسانی، الاحقر عبدالله المازندرانی.

احکام حجت فرجام حجج نجف اشرف

در حرمت مالیات ایران به شاه

به عموم ملت ایران حکم خدا را اعلام می‌داریم. الیوم همّت در دفع این سفاک جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گماشتگان او از اعظم محرّمات و بذل جحد در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه، و موثی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت صلوات الله و سلامه علیه است، اعاذالله المسلمین من ذاک انشاءالله تعالی.

الاحقر عبدالله مازندرانی، الاحقر محمدکاظم خراسانی، الاحقر نجل مرحوم حاج میرزا

خلیل.

فرمان واجب الاذعان حجج اسلام در خلع محمدعلی شاه از سلطنت ایران

الیوم دفع این سفاک ظالم و دفاع از بقیه مسلمین از اهم واجبات است. عجالتاً جناب حجة الاسلام تبریزی با جماعتی از علما روانه و با همت غیورانه عموم ملت و اقتضای تکلیف، خودمان هم در حرکت حاضر و خونمان از سائر شهدا رنگین تر نیست.

محمدحسین الطهرانی، محمدکاظم الخراسانی، عبدالله المازندرانی.



ایضاً تلگراف حجج اسلام نجف در وجوب دفع

محمد علی شاه و متابعان او

عموم ایرانیان. دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین و دفع چنین سفاک ظالم از اعم واجبات است.

عبدالله مازندرانی، محمدکاظم خراسانی، نجل مرحوم میرزا خلیل محمدحسین طهرانی.

حکم محکم حجج اسلام نجف اشرف درباره اعانه به اهالی تبریز در تبریز

مقیمین ممالک محروسه عثمانی و قاطبه قفقازیه و کلیه بلاد خارجه دام تابیداتهم.

شدت گرفتاری برادران ایمانی تبریز و اهتمام ظلمه مستبدین در استیصالشان بر همه مکشوف و ایوم اعانت آن برادران غیور و مدد مالی و جانی و استعداد رسانیدن به ایشان به منزله اعانت به مجاهدین در رکاب اقدس دنیوی صلوات الله علیه است همت کنید و غیرت دینی خود را ظاهر و اسلام را نصرت نمائید انشاءالله تعالی. محمدکاظم الخراسانی، عبدالله مازندرانی، حاج میرزا حسین طهرانی.

طهران

وقایع نگار چهره‌نما می‌نگارد:

اگرچه درباریان تا اندازه‌ای طرق مخابرات تلگرافی و کتبی را به روی مشروطه طلبان مسدود کرده‌اند و هر تک سوار یا پیاده که از دروازه قزوین یا حضرت عبدالعظیم ورود کند او را جستجو می‌کنند، چون که شنیده شده که از طرف جناب ستارخان سپهسالار فرقه مجاهدین تبریز قاصد مخصوصی معین شده که اخبارات روزانه آن‌جا را به طهران می‌رساند و اطلاعات درباری را از طهران به تبریز می‌رساند. حقیقت این مطلب زیاده مکشوف است زیرا که شکست فاحش شاهزاده عین‌الدوله حاکم و نصرالسلطنه سپهدار به مدتی کم انقلاب عظیمی در طهران افکند که در عشر اول رمضان جسته‌جسته از هر طرف انجمنهای سری علنی شد و اوراق شبنامه‌های ژالائین هم مؤید گردید و دارد کم‌کم زیادتر می‌شود، چنان‌که شکست عین‌الدوله با آن توپ و تفنگ و ذخیره کامل در یکی از شب نامه‌ها مفصل نوشته و چندین هزار در کوچه و بازار طهران ریخته شد.



مشیرالسلطنه صدر اعظم پس از رسیدن خیر تلگرافی، دوان دوان به حضور شاه می‌رود که قربان تقصر از امیربهادر می‌باشد، من از هیچ چیز مضایقه نکردم، از هر جا یک قران پول رسید به او سپردم که کاملاً برساند. پس از اصغای این خبر، امیربهادر ناخوشی خفقان گرفت و مثل خرس تیر خورده به صورت مشیرالسلطنه پرید و در آن مجلس این دو نفر ایران مدار از هیچ بی‌ناموسی و فحش زن کوتاهی نکردند که هر یک، یک خروار به سنگ ری فحش به خانه بردند، عاقبت متفقاً تقصیر را به گردن پالکونیک انداختند، او هم مصمم گردید که می‌خواهید من شاه و طهران را رها کرده با قزاقهای ساخلوی خود به تبریز می‌روم. اگرچه این مطلب محض خودنمایی بود و جا دادن محبت خود در قلب شاه اما درباریان بی‌دین و ایمان همگی متوحش شدند و گفتند حیات موقتی ماها به بودن پالکونیک می‌باشد و قبول نکردند، شاه که خبردار شد، سخت به مشیرالسلطنه و امیربهادر اعتراض کرد و چند دانه از انعام ملوکانه از آن فحشهای آبکش به آنها داد، زیرا که جان شاه بسته به پالکونیک می‌باشد.

مسئله مهمی که خیلی کارها را پریشان کرده بی‌پولی است. کارهای فضاحت کارانه درباریان از رسوائی گذشته، باید فکر دیگر کرد. خاک بر سرشان باد که اینها ایران را به باد دادند و ویران کردند. عجب آنجا است که این گردن کلفت‌ها همه‌شان فکر جیب و بغل خود پر کردن می‌باشند، از مطلب ذیل معلوم است که چه خبر است.

چند روز بود متصل ارباب جمشید رئیس اداره جمشیدیان را در کار گرفته، پول می‌خواستند، در مقابل بعضی املاک و اراضی و عمارات را به طور رهن و فروش می‌گذاشتند که تقریباً پنجاه هزار تومان پول بدهد. ارباب زیر بار نرفت و او هم داد بی‌پولی زد، تا اتفاق خسرو شاه جهان، رئیس جهانیان که مدتی فرنگستان بود وارد طهران شد، او را هم در کار گرفتند که قریب بیست هزار تومان از این دو اداره پول بگیرند، بعد هنوز گفتگوی پول تمام نشده که دودش به هوا رفت. قسمی شیخ فضل‌الله و سیدعلی یزدی گرفتند و شیخ محمد آملی سهمی برای سیدکاظم یزدی ساکن نجف گرفت و خلاص شد.

چند روز قبل سوارهای شکست خورده بختیاری و سربازهای زخمی متفرقه با یک حال زار به طهران آمدند، هر جا رسیدند از شجاعت و دلاوری تبریزیان بنای تعریف را



گذاشتند، به قسمتی که کمتر کسی ماند که جنگ تبریز را مطلع نشود و چنان خوف و ترس و هراس به دل امیربهادر و پالکونیک افتاده که علانیه مرگ خود را در مقابل چشم خود می‌بینند. پالکونیک گفته بود جنگ سواره و پیاده تبریزیها از روی نظام صحیح است و این‌ها از خارجه سر عسکر دارند که شیردلانه می‌جنگند، این بود فوری مأمور شد که هر کس از تبریز از لشگرهای شکست خورده برسد نگذارند در طهران بماند، فوری مرخص‌شان بکنند. یک مثلی است مشهور که می‌گویند زمان غلبه افغان به اصفهان، شاه سلطان حسین می‌گفته است عمارت چهل‌ستون دولتی برای من بس است، حالا شاه هم تمام همت خود را در استحکام باغ شاه به خرج می‌دهد و اطرافش عمارت می‌سازد به اسم «فتح‌آباد»، ولی بسیار روشن است که این سیل منتظم حریت خیز تبریز به زودی پست و بلند راه‌ها را نور دیده به طرف طهران هجوم می‌آورد. رعب جناب ستارخان در دل شاه چنان اثر کرده که از اسم سین‌دار می‌ترسد، مثل سردار، سالار و غیره. خدا می‌داند بر وضع بی‌چاره‌گی و بی‌اطلاعی و مظلومی اهل طهران دل سنگ دارد آب می‌شود. قزاقهای بی‌درد بی‌ایمان هم‌چون بالا در کوچه و بازار پراکنده، مردم را بنده و هر چه هر جا ببینند از خود می‌دانند مدرسه و مطبعه‌ها و روزنامه‌ها همه موقوف و بست شده، مگر مطبعه فاروس روسی و مطبعه شاهنشاهی و روزنامه ایران امروز. خبر رسید که یکی از روسها که به سر کرده‌ی قزاقها به تبریز رفته زخم منکری برداشته که نمی‌شود او را به طهران بیاورند، پالکونیک زیاده هراسان و مثل برج زهرمار شده، اسباب راحتی برای او معین کرده که بردند او را بیاورند، چون که هر چه همراه‌شان از توپ و تفنگ و فشنگ و قورخانه و خیمه بوده تمامی را ستارخان غنیمت کرده است.

دست خط محکم حجج ثلاثه اصفهان

در تأیید فرامین حجج نجف

الحمد لله و الصلاة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرين. در خصوص مجلس مقدس شورای ملی مشروطیه شَیْدالله ارکانه، احکام مطاعه حجج اسلام نجف اشرف به سایر علماء اعلام و حصون اسلام دامت برکاتهم در وجوب مشروطه زیارت شد، مطاع و لازم‌الاتباع است. این ضعیف هم از اول امر تا به حال کراراً مطابق مدلول این احکام



متاع حجج اسلام مدظلالهم تأکیداً نوشته‌ام و همراهی به اهتمام در تشیید این امر مقدس نموده‌ام و بعد از این هم اعانت حضرت صاحب العصر صلوات الله و سلامه علیه فعلا و قولاً و کتبا سعی و جاهد هستم، و این معنی را خیرخواهی مسلمانها می‌دانم. من اقل الطلاب و المحصلین، محمدتقی النجفی الاصفهانی عفی الله عنه عن جرائمه.

ایضاً از آقای حاج شیخ نورالله ثقة الاسلام

احکام صادره از حجج اسلام و حصون شریعت حضرت سید الانام ادام الله ظلالمهم مدام الأیام در باب وجوب مشروطه و حرمت مخالفت با آن ملاحظه شد. اطاعت آن برکافه انام و عموم کسانی که مدعی مسلمانی می‌باشند واجب و لازم است. فی شهر محرم ۱۳۲۷. حرره الاحقر شیخ نورالله اصفهانی.

ایضاً از آقای حاج شیخ جمال‌الدین

الحمدلله و الصلوة و السلام علی صفوه خلقه و خیر بریته محمد و آله الطاهیرین المعصومین. بلی، احکام محکمه صادره از حجج اسلام نجف اشرف و سایر علماء اعلام و حصون اسلام ادام الله تعالی ظلالمهم علی رنوس الانام را در خصوص استحکام و تشیید مبانی معدلت و تأسیس اساس مشروطیت و عدم جواز مخالفت ملاحظه و زیارت شد، معلوم است اطاعات احکام حجج اسلام و حصون دین و ایمان بر کافه اهل اسلام واجب و لازم است. حرره الاحقر الطلاب و المحصلین شیخ جمال‌الدین عفی الله عن جرائمه.

تلگراف ۲۷ نفر علمای اصفهان به محمدعلی قاجار

تکلیف علماء اعلام این است که اموری که خیر و صلاح دولت و ملت است پی‌برده عرضه داریم. برحضور مبارک مکشوف [است] که ملت ایرانیه خلفاً عن سلف مجبول بر اطاعت احکام حجج اسلام نجف اشرف می‌باشند و اطاعت احکام آنها از لوازم اسلامیت خودشان می‌شمارند، در این حال با وجود احکام محکمه حجج اسلام بر وجوب مشروطه، رفع فساد و فتنه و خون‌ریزی از ایران محال و ممتنع است مگر به استقرار مجلس شورای ملی و ابقای مشروطه موعوده مطابق قانون اساسی. امضا آقا نجفی و ۲۷ نفر علما.



تلگراف جناب صمصام السلطنه از اصفهان

به اسلامبول

قمشه، منظم انجمن ایالتی شیراز تشکیل. صمصام السلطنه، انجمن ولایتی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

